



رسیدگی تراکنش‌های مالی

تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ۹۵ است. این مورد هم طی بند الف ماده ۱۳۸۰ ق.م.م مصوب به شرح زیر تأیید و تأکید شده است: (الف: صاحبان مشاغلی که به موجب این قانون مُکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند، باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگهداری کنند).

در چنین شرایطی و در قوانین مالیاتی، قبل از سال ۱۳۹۴ در صورت بُطلان دفتر مؤبدی سه حالت وجود داشت:

الف- مؤبدی براساس موارد مذکور در ماده ردی دفاتر موضوع آیین‌نامه تحریر دفاتر

مقدمه
حسابرسان و حسابداران در انجام وظایف محله خود به ترتیب موظف به رعایت الف- قوانین، ب- آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها، ج- استاندارهای حسابداری و حسابرسی هستند و در واقع از آنجایی که در خصوص امر حسابداری و حسابرسی قانون خاص و مُدونی وجود ندارد، چنانچه از باب موردی، قانون مختص آن وجود نداشته باشد، حسابرسان و حسابداران مکلفند براساس استاندارهای حسابرسی و حسابداری انجام وظیفه کنند و استانداردها در واقع نقش قانون را در امر حسابداری و حسابرسی بازی می‌کنند و سازمان حسابرسی نیز براساس اساسنامه خود و



غلامرضا رادمهر



فرهاد حکیمی



می‌توانند در گروههای زیر طبقه‌بندی شود:	- مستندات حسابرسی که در تهیه آنها الزامات این استاندارد و الزامات ویژه سایر استانداردهای مربوط رعایت شده باشد، شواهد زیر را فراهم می‌کند: الف- شواهد پشتونه نتیجه‌گیری حسابرس در خصوص دستیابی به اهداف کلی حسابرس، و ب- شواهد انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی و الزامات قانونی و مقرراتی مربوط.
۱- کاربرگ‌های عمومی	مستندسازی توسط حسابسان عمده از طریق کاربرگ‌های حسابرسی انجام می‌شود که توضیح آن به شرح زیر است
۲- کاربرگ نهایی	
۳- کاربرگ‌های اصلی	
۴- کاربرگ اصلاحات پیشنهادی و تعدیلات طبقه‌بندی	
۵- کاربرگ‌های تفصیلی	
۶- کاربرگ تجزیه و تحلیل	
۷- کاربرگ صورت مغایرت	
۸- کاربرگ‌های محاسباتی	
۹- مدارک مؤید	

مدارک مؤید

حسابسان علاوه بر رسیدگی به مدارک حسابداری صاحبکار و بررسی سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی آن، مدارک تشریحی دیگری را نیز برای اثبات صحت مطالب منعکس در صورت‌های مالی و توجیه گزارش خود گردآوری می‌کنند، به این‌گونه مدارک اصطلاحاً مدارک مؤید گفته می‌شود. نسخه‌ای از صورت جلسات مجامعت عمومی و هیئت مدیره، اساسنامه و مدارک ثبت شرکت، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، قراردادهای خرید و فروش، قراردادهای وام، قرارداد انتشار اوراق مشارکت، تأییدیه‌های دریافتی از بانک، تأییدیه وکیل حقوقی شرکت، تأییدیه مدیران و نظایر آنها، نمونه‌هایی از مدارک مؤید است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تأییدیه‌های دریافتی از بانک که جز مدارک رسمی و تهیه شده در خارج از مؤسسه به حساب می‌آید از جمله مهمترین مدارک مؤید هستند و آن پاسخ‌هایی است که حسابسان در مقابل استعلام انجام شده از بانک در خصوص مورد خاصی دریافت

کاربرگ حسابرسی
کاربرگ حسابرسی، ابزار کار حرفه حسابرسی است؛ حسابسان روش‌های به کار برده شده، آزمون‌های انجام شده، اطلاعات جمع‌آوری شده و نتایج بدست آمده در طول اجرای عملیات حسابرسی را در کاربرگ‌ها مستند می‌کنند.
کاربرگ‌های حسابرسی، حلقة ارتباطی بین مدارک حسابداری صاحبکار و گزارش حسابسان است و کلیه کارهای انجام شده توسط حسابسان را مستند و گزارش حسابسان را توجیه می‌کنند. کاربرگ‌های حسابرسی باید حاوی کلیه اطلاعات مربوط به اظهارنظر درباره مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی صاحب کار باشد و می‌تواند به شکل ثبت اطلاعات روی کاغذ، فیلم، ضبط الکترونیکی یا دیگر ابزارهای مشابه باشد.

انواع کاربرگ‌ها

طبقه‌بندی کاربرگ‌ها کار نسبتاً مشکلی است. با این حال، کاربرگ‌های تهیه شده

ماده ۹۵ ق.م.م محکوم به ردی دفاتر می‌شد.
ب- براساس عدم رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری (موضوع بند الف ماده ۹۵ ق.م.م)
غیرقابل رسیدگی اعلام می‌شد.
ج- به علت عدم ارائه اسناد و مدارک درآمدی (از قبیل فاکتور رسمی، صورت وضعیت پیمانکاری و قرارداد) مستقیماً مشمول مردودی دفاتر می‌شد.
از سه حالت فوق دو حالت اول بنابر رأی هیئت بند سه ماده ۹۷ ق.م.م اعلام می‌شود و مورد سوم هم مستقیماً توسط مأموران مالیاتی اقدام می‌شد.
به هر حال حسابسان در اجرای استاندارد شماره ۲۳۰ [۵] مکلفند گزارش خود (مثلاً اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی) را مستند کنند و در این خصوص بر اساس استاندارد مذکور:
- ماهیت و اهداف مستندات حسابرسی

می‌کنند.

طریق بانک مرکزی به مأموران مالیاتی واصل می‌شود نه مؤذی و شعبه بانک صاحب حساب، ثانیاً این سند، قابلیت اعمال محاسبات، مثلًا حذف ارقام سبک (مثلًا زیر ۱۵۰ میلیون ریال)، گزارش گیری و مانند این را دارد و ثالثاً بیشتر به شکل الکترونیکی (مثلًا CD) (نه کاغذی) است که در هر حال کوچکترین خللی به اعتبار آنها وارد نمی‌کند.

در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به مستندات قانونی، باید تراکنش بانکی را سند به شمار آورد [۱۲].

مالیات بر تراکنش‌های بانکی

کلمه مالیات بر تراکنش‌های بانکی یک اشتباہ مرسوم است که باید به خوبی با آن آشنا شده و از مشکلات این سوء تفاهم پرهیز کرد و این که اصولاً تراکنش بانکی پایه مالیاتی نیست که حالا با آن بتوان مالیاتی را تحت عنوان مالیات بر تراکنش‌های بانکی دریافت کرد، به عبارت دیگر چه قبل از قانون ۱۳۹۴ و چه بعد آن، تکلیفی به عنوان دریافت مالیات بر پایه تراکنش بانکی به وجود نیامده است. بلکه صرفاً با بوجود آمدن ماده ۱۶۹ مکرر ق.م. دسترسی به صورت حساب‌های بانکی آحاد جامعه به طور قانونی به وجود آمده و تسهیل شده است و دیگر نیازی به همکاری مؤذیان در این زمینه وجود ندارد.

اما آیا صرف داشتن تراکنش‌های بانکی مؤذیان منجر به دریافت و مطالبه مالیات خواهد شد؟ جواب این سوال بسیار مهم است و در پاسخ آن باید گفت که:

اولاً چنانچه مؤذی بدین واسطه مشمول مالیات شود آن مالیات، مالیات عملکرد با مالیات متمم عملکرد با رعایت ماده

لذا کنترل آن برای حسابرسان به عنوان مدرک مؤید صورت‌های مالی بسیار حائز اهمیت است.

تراکنش‌های بانکی

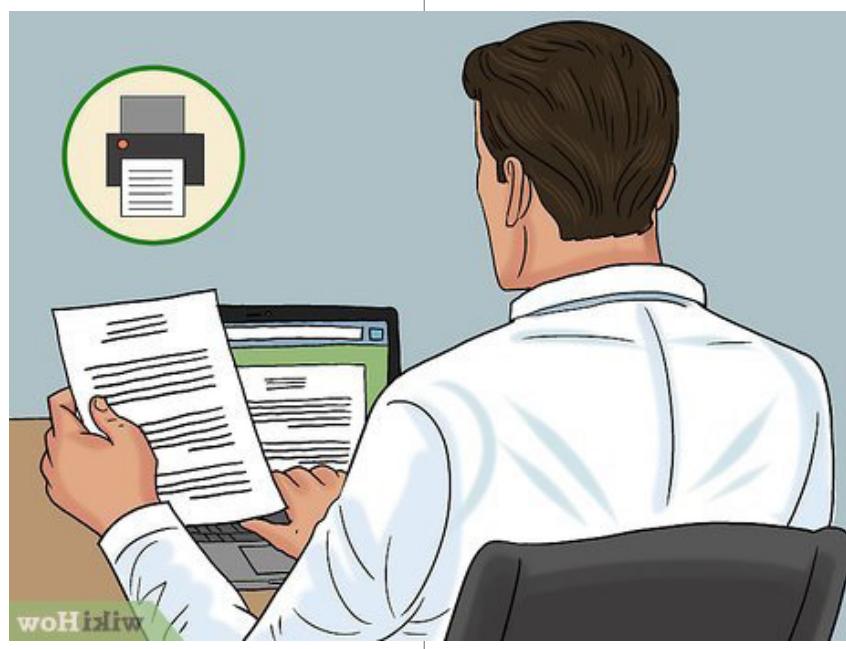
طبق بند (د) از ماده ۱ آینه نامه نظام بانکداری الکترونیکی [۲۳]: تراکنش، یک پیام^۱ الکترونیکی که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی نظیر خودپرداز یا پایانه فروش، ایجاد و به شبکه الکترونیکی بانکی^۲ ارسال می‌شود.

با تصویب قسمت ۲ بند پ ماده ۱۶۹ مکرر در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴، دسترسی به صورت تراکنش‌های بانکی به طور کلی به وجود آمد و بنابراین عملًا مشکل عدم ارائه صورت‌حساب (کارت) بانکی توسط مؤذی حل شد. تراکنش‌های بانکی در حقیقت همان صورت‌حساب (کارت) بانکی است. با این تفاوت که این سند رسمی^۳ کاملاً قابل‌اتکاء، اولاً به موجب قانون و از

صورت‌حساب (کارت) بانک

جدولی چاپی است که توسط شعبه بانکی که صاحب حساب در آن حساب دارد، صادر شده و شامل ریز وجوه دریافتی و پرداختی صاحب حساب به ترتیب تاریخ است و در هر مرحله از جمله آخرین مقطع زمانی که صورت‌حساب صادر شده، مانده حساب را نمایش می‌دهد.

کاربرد این صورت‌حساب برای حسابرسان (مأموران مالیاتی هم حسابرس هستند) این است که اولاً (با فرض نبودن صورت مغایرت) مانده نمایش داده شده در صورت‌های مالی و ترازنامه باید نمایش داده شود. ثانیاً نظیر به نظیر ورود و خروج وجود به حساب را نمایش می‌دهد که نشانگر این است که همان ارقام بایستی در دفاتر به ثبت رسیده باشد که در این صورت می‌تواند بخش وجوه نقد صورت‌های مالی را تأیید یا تکذیب کند.



۱۵۷ ق.م خواهد بود. به بیان دیگر تراکنش‌های بانکی هم مانند سایر اطلاعیه‌های مالیاتی واصله از مؤدیان در دو بُعد مطرح است:

الف- اطلاعات مربوط به فعالیت‌های پولی مؤدی که بنا به اظهار مؤدی جنبه مالی و تجاری دارند و بنابراین در دسته‌بندی مالیات‌ستانی قرار خواهد گرفت و ممکن است مشمول مالیات باشند و ممکن است مشمول مالیات نباشند. مثلاً دریافت و پرداخت وجهه حاصل از فعالیت‌های تجاری اشخاص، مشمول مالیات عملکرد آنان خواهد بود و در مقابل وجهه پرداختی و دریافتی آنان در مقابل خرید و فروش ملک مشمول مالیات عملکرد نخواهد بود.

ب- اطلاعات مربوط به فعالیت‌های پولی مؤدی که بنا به اظهار مؤدی جنبه مالی و تجاری ندارند و بنابراین در دسته‌بندی مالیات‌ستانی قرار نخواهد گرفت و مشمول مالیات نیستند. مثلاً وجهی که مدیریت ساختمان بابت وظایف محله و هزینه‌های جاری ساختمان از ساکنین دریافت و پرداخت می‌کنند و یا مثلاً وجهی که کارکنان یک مجموعه در قالب تنخواه‌گردان دریافت و پرداخت می‌کند. ثانیاً قانون‌گذار در تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م مصوب ۱۳۹۴ قبولی هزینه‌های بالغ بر ۵۰/۰۰۰ ریال را با داشتن سایر شروط مفاد ماده‌های ۱۴۸ و ۱۴۷ ق.م، پرداخت هزینه از سیستم بانکی اعلام کرده است و چنانچه این اقلام در بدھکاری تراکنش بانکی و در آن تاریخ وجود نداشته باشد از جمله هزینه‌های غیرقابل قبول مالیاتی تلقی خواهد شد. ثالثاً صورت تراکنش‌های بانکی فی‌نفسه مدرک مؤید است و به تنها یی مثبت یا منفی چیزی نیست و در صورتی که



بستانکاری تراکنش بانکی، چنین حکمی وجود ندارد.

رابعاً عنوان کردن قواعد حقوقی همچون اقدام، لاضرار و ... تماماً رویه‌ای است که صرفاً قصد توجیه این خلاط را داشته و از همه این قواعد مهمتر نص صریح قانون است و در بعد همان قواعد نیز قاعده است. به این تعبیر که چنانچه مأمور مالیاتی خواسته باشد برگ تشخیص (ادعا نامه) صادر کند، در اجرای ماده ۲۳۷ ق.م این برگ تشخیص و طبعاً گزارش پایه آن باید از مدارک و اسناد کافی و دلایل موجه تکمیل شده باشد که در غیر این صورت خالی از اشکال نیست و این نشانگر قاطع بودن قاعده‌بینه‌ی علی المدعی است.

بخشنامه

بخشنامه^۸ عبارت است از تعلیم یا تعليمات کلی و یکنواخت و به صورت کتبی که از طرف مقام اداری به مؤوسین برای ارشاد به مدلول و طرز تطبیق قانون یا آئین‌نامه داده شود و نباید مخالف قانون یا آئین‌نامه باشد. بخشنامه قابل استناد

مؤدی در مقابل آن اسناد و مدارکی ارائه دهد (در واقع اقرار کنند)^۹ مأمور مالیاتی (بنابراین با اقرار آن صرف وجود تراکنش بانکی) می‌تواند نسبت به آن اظهارنظر کند و در واقع به استناد تراکنش بانکی از مؤدی درخواست پاسخگویی می‌شود و این بزرگ‌ترین نقش تراکنش بانکی است و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هاییش با سایر اطلاعیه‌های مالیاتی نیز است. در صورتی که در سایر اطلاعیه‌ها، عموم اطلاعات دریافتی را می‌توان مستقیماً مشمول و یا غیرمشمول مالیات کرد و حال این که تراکنش‌های بانکی از چنین خاصیتی برخوردار نیست. اما اگر چنانچه مؤدی در دسترس نباشد، حضور پیدا نکند، و پاسخگو نشود (تراکنش‌های بانکی نامشخص)، سؤال مهم این است که کدام ماده قانونی تکلیفی بر سُمولیت آن بستانکاری تراکنش بانکی بر عهده مأمور مالیاتی قرار داده است؟ یعنی برخلاف تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م که حکم قانونی بر عدم‌قبولی هزینه‌های بالای ۵۰/۰۰۰ ریال که در بدھکاری تراکنش بانکی درج نشده را صادر کرده، به طور مشابه و در جهت معکوس این حکم و تحت هر شرایطی در

معنى درست آییننامه همین است. اعتبار آییننامه منوط است به این که اولاً مغایر قانون عادی نباشد ثانیاً تکاليف جدیدی برای مردم ایجاد نکند [۳].

رسیدگی مالیاتی تراکنش‌های بانکی در عمل

الف- رسیدگی سنت‌های قبل از ۱۳۹۵ ادارات امور مالیاتی و مأموران مالیاتی اقدام به رسیدگی سنت‌های قبل از تاریخ اجرای اصلاحیه قانون (۱۳۹۵) می‌کنند و گویا از این بابت مفاد ماده ۲۸۱ ق.م. که تاریخ اجرای اصلاحیه را به صراحت عنوان کرده است، قاطع نبوده و آنان باید برای جلوگیری از مرور زمان مالیاتی، براساس اصلاحیه جدید و بخشنامه‌های مربوط اقدام شایسته‌ای کنند. که از این بابت آرای متعددی مبنی بر اشکال بر این رویه سازمان مالیاتی وارد آمده که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۲۱۱ مورخ ۹۹/۲/۲۰ به شماره پرونده ۹۸۱۱۶۳/۱۵ [۱۱].

۲- شعبه ۳ (سابق) دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۵۵۰ مورخ ۹۹/۲/۱۸ به شماره پرونده ۱۴۸۳۴۳۵ [۱۰].

۳- شعبه ۴ دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۲۳۳۷ به شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶ [۱۲].

۴- از همه مهمتر هیئت تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری طبق حکم شماره ۹۷۰۰۱۳۱ مورخ ۹۷/۶/۲۷ [۳۱] به شرح زیر:

(نظر به این که دستورالعمل مورد بحث در راستای ضابطه‌انگاری نحوه رسیدگی به تراکنش‌های بانکی و ایجاد رویه و جلوگیری از تشتت رسیدگی در هیئت‌های

وزیر یا شهردار و غیره وضع و در معرض اجرا می‌گذارد خواه هدف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوع باشد خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی وضع نشده است. در همین مورد، لفظ نظامنامه هم استعمال شده است. در حقوق اسلام این گونه مقررات را حکم می‌گفتند و آن را در مقابل شرع به کار می‌برند.

ب) آییننامه^۹ یا نظامنامه عبارت است از مقررات کلی که توسط مراجع اجرایی قانون به منظور اجراء وظایف اجرایی و تحقق بخشیدن به آنها وضع شده باشد و شامل آییننامه‌های مصوب پارلمان نمی‌باشد (آییننامه‌های مصوب پارلمان داخل در مفهوم قانون به معنی آعم که شامل کلیه مصوبات کلی پارلمان است می‌شود).

آییننامه به این معنی مفهوم عامی دارد که جز قانون (یعنی مصوبات پارلمان) و بخشنامه همه چیز را شامل است و مفهوم تصویب‌نامه از تحت آن خارج نیست و

در دادگاه نیست و فی حد ذات، منشأ حق و تکلیف جدیدی نیست و در صورت تعارض با قانون یا آییننامه نباید به آن عمل کرد. بخشنامه نمی‌تواند ایجاد کننده حق و تکلیف جدیدی باشد و به همین دلیل مستند رأی دادگاه قرار نمی‌گیرد و اصحاب دعوا نیز نمی‌توانند به آن استناد کنند. از این رو گفته می‌شود که بخشنامه‌ها همیشه جنبه اعلامی داشته و همیشه شارح است، نه مؤسس؛ و بخشنامه جایگاهی در سلسله مراتب قانون در معنای عام آن، ندارد و از منابع حقوق به‌شمار نمی‌رود و این که گاه در طبقه‌بندی قوانین، بخشنامه را هم ذکر می‌کنند، نباید موجب این توهّم شود که بخشنامه نیز قانون است. جایگزین شدن بخشنامه‌ها به جای قانون به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی خدشه وارد می‌کند و نمی‌توان در قالب بخشنامه قانون وضع کرد [۳۵].

آییننامه

الف) مقرراتی که مقامات صلاحیتدار مانند





اصلت برخوردار هستند. با همه این اوصاف چند نکته همچنان در این مقطع مورد نظر باید مذکور قرار گیرد.

جنس بخشنامه شماره ۱۶/۹۹/۰۰۲۰۰ مورخ ۹۹/۲/۳۱ بر قائده برهان خلف نهاده شده است. در این بخشنامه ضمن اعلام این که تراکنش‌های بانکی به خودی خود مالی و درآمدی نبوده و آن باید اثبات شود، سعی در احصاء حالت‌های متفاوت بستانکاری تراکنش‌های بانکی دارد به گونه‌ای که در انتهای موارد مانده را به عنوان درآمد تلقی می‌کند که این روش در محاکم قضایی مسموع نیست. مثلاً مسموع نیست که گفته شود چون شب نیست، پس حتماً روز است (شاید بامداد یا شامگاه باشد)، چون مرد نیست پس حتماً زن است (شاید خنثی باشد) و یا چون الف و ب و ج نیست پس د است (شاید هـ یا و باشد). بلکه روش مطلوب، ارائه مستقیم بینه روشن و قطعی است و

قائدۀ قُبِح عِقاب بلابيان است.

ب- رسیدگی از سال ۱۳۹۵ تا سال قبل از سال جاری این سنت‌ها از دو جهت اهمیت دارند: اولاً قبل سال ۹۷ در اجرای ماده ۱۰۶ ق.م. روشن محاسبه مالیات، روش رسیدگی به دفاتر (و عنداللزوم علی الرأس) است و بعد از آن در اجرای همان ماده در اصلاحیه ۱۳۹۴، روشن محاسبه مالیات از طریق سوددهی فعالیت است که روش اجرایی آن در ماده ۴۱ آینین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م تبیین شده است. ثانیاً همچنان رسیدگی به تراکنش‌های بانکی این سنت‌ها عمدهاً در قالب متمم مالیات و در اجرای ماده ۱۵۷ ق.م معنا و مفهوم پیدامی کند.

به هر جهت در این مقطع مشکل عدم عطف به مآسیق نشدن مالیات و قائدۀ قُبِح عِقاب به دلیل آن هم عمدهاً به علت عطف به مسابق نشده قانون موضوع اصل ۱۶۹ قانون اساسی^{۱۰} و ماده ۴ قانون مدنی^{۱۱} و

حل اختلاف مالیاتی بوده و محاسبنی همچون رفع تعرض مالیاتی از گردش بین حساب‌های واحد یک مؤدی و درآمد تلقی نکردن آن و نیز رعایت مرور زمان مالیاتی و همچنین اقدامات قانونی از تاریخ ۹۵/۱/۱ (زمان اجرایی اصلاحیه قانون مذکور) داشته و صراحتی مبنی بر تسری احکام خاص اصلاحیه قانون به گذشته ندارد. بنابراین دستورالعمل مورد شکایت در تبیین حکم مقتن و شیوه‌های اجرایی آن بوده لذا خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده به استناد بند ب ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آینین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کند).

که به وضوح به معنای عدم کاربرد دستورالعمل برای سنت‌ها قبل ۱۳۹۵ است و دلیل آن هم عمدهاً به علت عطف به مسابق نشده قانون موضوع اصل ۱۶۹ قانون اساسی^{۱۰} و ماده ۴ قانون مدنی^{۱۱} و

خم این روند طولانی حوادث شناخته و ناشناخته‌ای بُروز می‌کند. نمونه بارز آن بسط و گسترش مالیات ارزش‌افزوده است که اخیراً اصلاحیه آن بعد از شاید بیش از یک دهه به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسید و به این زمان باید مراحل قبل که شاید قریب بیست سال زمان برداضافه کرد.

این روند شامل فکر، تحقیق، تفحص، مطالعه، مباحثه در خصوص شرایط اصلاح یا تأسیس مالیات جدید می‌باشد که پس از آن، مورد در قالب یک لایحه از طریق سازمان امور مالیاتی و توجیه وزارت متبوع در هیئت محترم وزیران طرح و به تأیید بررسد تا تقديم مجلس (و بالطبع کمیسیون‌های تخصصی مثل کمیسیون اقتصادی و نیز مرکز پژوهش‌های مجلس) شود تا با سپری شدن پیج و خمای تصویب قانون، مجوز عملیاتی کردن این نوع اصلاح یا تأسیس اخذ مالیات جدید (قانونی بودن مالیات) گرفته شود و از همه آنها مهمتر تعامل و عکس‌العمل آحاد جامعه با این نوع مالیات است به گونه‌ای که چنانچه عکس‌العمل جامعه همانند پیش‌بینی نباشد در آن صورت خروجی بdst آمد طبق معمول با پیش‌بینی صورت گرفته، ممکن است اختلاف زیاد داشته و حتی گهگاه منجر به عواقب ناگوار دیگری نیز بشود.

بنابراین راه حل اساسی تکیه بر پایگاه‌های تحلیل داده مالیاتی^{۱۴} است که ضمن جمع‌آوری تمامی اطلاعات از جمله اطلاعات ناشی از منابع مختلف مالیاتی، اقدام به داده کاوی^{۱۵} و تحلیل اطلاعات^{۱۶} خواهد کرد[۳۲].

به هر جهت دریافت و رسیدگی تراکنش‌های بانکی، حاصل سعی و تلاش



قائده البینه علی المدعى مُكَلَّف به ارائه مدرک مَحْكَمَه پَسِند است که در هر حال تراکنش بانکی این مدرک نیست.

ج- رسیدگی از سالِ جاري به بعد در این مقطع نیز دو اتفاقِ قابلِ تَعْمُق وجود می‌آيد. اولاً براساس نامه شماره ۹۹/۹/۲۹/۲۷۰/۱۶۳۷۳ معاون محترم فناوری‌های مالیاتی سازمان امور مالیاتی دسترسی به تراکنش بانکی به مراتب راحت‌تر، سیستمی، به موقع و با قابلیت‌های به مراتب بیشتر راهنمایی خواهد شد و ثانیاً از طرف دیگر اصلاح بحث محاسبات متمم مالیات منتظر بوده و هر آنچه محاسبه خواهد شد مربوط به مالیات عملکرد و مشاغل مؤدىان حقوقی و حقیقی خواهد بود و لذا در این مقطع ما به یک بُلوغ در رسیدگی به موقع نائل خواهیم شد. اما متأسفانه مجدداً خلاء قانونی مُنْكَری بر اصل برائت^{۱۷} همچنان وجود داشته و محاسبات را خالی از اشکال خواهد کرد (حتی این ایراد در سایر قوانین^{۱۸} نیز تأکید شده است).

جمع‌بندی و پیشنهادات

بسط و گسترش هر رشته مالیات و یا اصلاحات اساسی در مالیات‌ها روندی زمان بَر و انرژی بَر بوده و در پیج و

لذا با فرار به جلو و پریدن از این مشکل قانونی و نیز برای تحکیم کلام، اول در پی آخذِ اقرار از مؤبدی رفته و آن را ملاک عمل قرار می‌دهد و سپس در صورت فقدان آن مأموران را مُكَلَّف به تحقیق و سپس محاسبه مالیات می‌کند.

در این مجال نکته مهم این که چنانچه مؤبدی کتابِ اقرار به آخذ درآمد کند خود به خود با رعایت ماده ۱۵۷ ق.م. مشمول مالیات خواهد شد و نیازی به تراکنش بانکی و امثال‌هم وجود ندارد. همچنان این که مأموران مالیاتی مکلف به تحقیق و بررسی شده‌اند، عملاً چنین اتفاقی به باد فراموشی سپرده شده و در صورت عدم اثبات غیردرآمدی بودن تراکنش بانکی توسط مؤبدی در هر حال و مستقیماً و بدون تحقیقات لازم، مشمول مالیات می‌شوند. یعنی در این صورت تراکنش بانکی مدرکی مثبته (نه مؤید) تلقی می‌شود. به هر جهت همچنان این سؤال باقی می‌ماند که در صورت عدم حضور و یا سکوت بانکی پی به کسب درآمد بُرده و مالیات را محاسبه می‌کند؟ لذا از این جهت عموم گزارشات تنظیمی مخدوش می‌باشند و مجدداً باید تأکید کرد تراکنش بانکی صرفاً مدرک مؤید هست نه مدرک مثبت و این مأمور مالیاتی است که بر اساس

تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود.

2- Electronic Fund Transfer (EFT) - Point of Sale (POS)

3- Electronic Banking Network

۴- ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی [۲۶] : سند رسمی عبارت از استنادی است که در اداره ثبت استناد و املاک و یا دفاتر استناد رسمی یا در نزد سایر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آنها، طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشدند.

۵- ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی [۲۶] مقرر می دارد: اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر و به ضرر خود.

6- Unspecified Banking Transactions - UBT

۷- ماده ۲۳۷ قانون مالیات های مستقیم [۱۹]: برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم شود که کلیه فعالیت های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مؤبدی روشن باشد. امضا کنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به طور خوانا قید کنند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه

و مالیات های حقه و قانونی دولت را با رعایت مفاد ماده های ۱۵۷ و ۲۲۹ این قانون مطالبه و وصول کنند.

با تصویب این تبصره الحقی، از این به بعد اساساً و لزوماً تراکنش های بانکی، دیگر مدرکی مؤید نبوده و به نوعی مدرک مشتبث تلقی می شود و دیگر قانون گذار عالمماً فارغ از تفسیر مضيق و محدود قانون از قائدۀ البینه علی المدعى به قائدۀ اقدام رُجعت کرده و این حکم را صادر می کند و کل مسائل اخیر از بین رفته و به نوعی شفاف سازی صورت خواهد گرفت. در ضمن بحث آیین نامه نویسی و جایگاه آن و نیز قانونی بودن مالیات نیز پوشش خواهد یافت و با رویکردی ارشادی و تنبیه‌ی مؤبدیانی که به هر نحوی پاسخگو نیستند را با این عمل به تمکین قانون و انجام تکالیف قانونی مُجاب می کند.

پی نوشت ها:

۱- در بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک [۲۲] آمده است: داده پیام (Data Message)، هرمنمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و با فناوری های جدید

چندین دهه مدیران و کارکنان خدمت سازمان امور مالیاتی کشور است و آن به تصویب ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی [۲۴] و نیز دستورالعمل تبادل اطلاعات مؤidian مالیاتی [۳۰] باز می گردد، که به جهت وجود مسائلی که اخیراً عرض شد هنوز از پختگی و قوام لازم برخوردار نبوده و نیازمند اصلاحاتی است. این اصلاحات به نظر می رسد با صدور بخشname و امثال این اجرایی نخواهد شد و بنابراین پیشنهاد می شود جهت حل و فصل اساسی مسائل مطرح شده، حل مسئله و شکل رسیدگی به آن در قالب ماده ای یا تبصره ای در متن قانون آورده شود و در همین الحقی، مجوز صدور آیین نامه رسیدگی تراکنش های بانکی به سازمان امور مالیاتی داده شود که بدین طریق، مورد مستقیماً و بدون واسطه و بدون ابهام مطرح و حل خواهد شد.

به نظر می رسد یکی از بهترین مکان های ممکن برای تأسیس این الحقی، ذیل تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م مصوب ۱۳۹۴ می باشد و به نام تبصره ۳ کنونی بحث هزینه های بالای ۵۰ میلیون ریال و تأیید آن در تراکنش های بانکی آمده و شرایط، مهیای عنوان رسیدگی به بستانکاری این تراکنش ها است.

در واقع متن تبصره پیشنهادی به شرح زیر می تواند مطرح شود:

سازمان امور مالیاتی کشور می تواند جهت رسیدگی به تراکنش های بانکی براساس آیین نامه ای که ظرف مهلت شش ماه از تاریخ تصویب این تبصره، تدوین کرده و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب نهایی هیأت دولت، اجرایی می شود به مؤidian مربوطه مراجعه کنند



<p>دستورالعمل تبادل اطلاعات مؤذیان مالیاتی.</p> <p>۱۰. هیئت تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری. رأی شماره ۹۷۰۰۰۱۳۱ مورخ ۹۷/۶/۲۷ به شماره پرونده ۹۶/۷۵۰۰۶۲۷.</p> <p>۱۱. G.D.K.Kishore, B.Anusha, G.Poornima , G.Anusha, K.Tejaswi, (2012), "Decision Making and Reduction Techniques for Tax Revenue using Data Warehouse", International Journal of Engineering Trends and Technology, Volume3, Available at: http://www.ijettjournal.org/volume-3/issue-1/IJETT-V3I1P205.pdf</p> <p>۱۲. http://new-accounting.blogfa.com/post/22/</p> <p>تعريف-کاربرگ-حسابرسی-اهداف-و-أنواع-کاربرگ‌های-حسابرسی</p> <p>Written by Sadjad Babaei on 2012/18/4, Received on 1400/4/20, at 19:30 p.m.</p> <p>۱۳. Wikipedia.org/wiki/ Received on 1400/4/20, at 19:30</p>	<p>فرهاد حکیمی: دکتری اقتصاد و دانشجوی ارشد حقوق خصوصی و نماینده هیات حل اختلاف موذیان بزرگ غلامرضا رادمهر: استادیار گروه حقوق واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران</p>
--	--

منابع	خود از هر جهت خواهد بود و در صورت استعلام مؤذی از نحوه تشخیص مالیات مکلفند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به مؤذی اعلام کنند و هر گونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند.
۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). اصطلاحات حقوقی، ناشر گنج دانش، تهران.	۸- Circular
۲. سازمان حسابرسی. (۱۳۹۵). استاندارد حسابرسی شماره ۲۳۰، ناشر انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.	۹- Regulations
۳. شعبه ۳ (سابق) دیوان عدالت اداری. رای شماره ۵۵۰ مورخ ۹۹/۲/۱۸، شماره پرونده ۱۴۸۳۴۳۵.	۱۰- اصل ۱۶۹ قانون اساسی [۱۸]: هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.
۴. شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری. رای شماره ۲۱۱ مورخ ۹۹/۲/۲۰، شماره پرونده ۹۸۱۱۶۳/۱۵	۱۱- ماده ۴ قانون مدنی [۲۶]: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.
۵. شعبه ۴ دیوان عدالت اداری. رای شماره ۹۸۰۸۷۶ مورخ ۳۹۹، شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶	۱۲- اصل ۳۷ قانون اساسی [۱۸]: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
۶. عبدالهی، حسین. (۱۳۹۹). "ارزیابی مالیات بر اساس معاملات بانکی در نظام حقوقی ایران"، فصلنامه تحقیقات مالیاتی شماره ۴۸، ناشر سازمان مالیاتی، تهران: صفحات ۸۱-۶۱	۱۳- ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی [۲۱]: اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد.
۷. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶). آیین نامه نظام بانکداری الکترونیکی، بند ۱۵.	۱۴- Tax Database Analysis
۸. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی، ماده ۱۲۰.	۱۵- Data Mining
۹. وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۹۰).	۱۶- Information Analysis

